

بسمه تعالی

سیر پیدا کردن حقیقت بوسیله معجزه شق القمر و اسرار علم آن

بدن انسان دو قسمتی میباشد: راست و چپ که هر طرف حرکت مخصوص به خود را دارد و از این لحاظ انجام عمل رویت دید خارجی با روی هم رفتن راست و چپ و بوجود آوردن نقطه مرکزیت در خارج اتفاق می افتد که این نقطه خارجی حرکت مخصوص به خود را دارد که نه چپ است و نه راست و در این حالت مخصوص، ایجاد کشش دید را به طرف خود بوجود می آورد و انسان بوسیله این نقطه خارجی که همیشه در حال تغییر محل خود میباشد در سعی و کوشش است که آنرا به دست آورد و از آن عبور کند و آزادی را در خود بوجود بیاورد که امکان پذیر نیست، زیرا وجود خارجی ندارد. البته برای رویت این مسئله و درک آن باید زاویه راست و زاویه چپ دید با هم مساوی باشند. چنانچه مساوی نباشد، سه بعدی بودن دید بشر کامل نیست و از این اختلاف در دید، اختلاف در تفکر بشر حاصل میشود که همان ناآرامی میباشد و انسان نمیتواند به حقیقت خود دست پیدا کند و نکته اصولی این مسئله بر ویژگی عدد 2 میباشد که همان دنیای خاکی میباشد که خالق، اول بهشت که روح میباشد را بوجود آورده و دوم دنیای خاکی را.

زمانی که حق تعالی به عالم مخلوق فرمودند که "تکثیر شو"، به این معنی است که از حرکت، 1 به 2 تبدیل شده، و این عمل همیشه ادامه دارد، بخاطر آن نقطه خارجی و همه چیز در تکثیر خود میباشد. برای رسیدن به حق تعالی، مبیایست عمل معکوس انجام گردد که از حرکت تکثیر، به حرکت کثرت تبدیل شود و به مبدا 1 برگردد..

توضیح اینکه برای درک درست از عدد 2 مبیایست به عدد 1 رجوع کرد که همان آغاز حرکت از صفر یعنی از مبدا^۱ میباشد که در واقع همان روح میباشد. انسان برای پیدا کردن حقیقت خود، به یک نقطه درونی احتیاج دارد که بتواند آن کنترل و تعادلی که مبیایست در خارج داشته باشد را بوجود بیاورد.

نقطه مرکزیت، اولین آن از درون میباشد که همان مبدا^۱ روحی میباشد و دومین آن که همان دنیای خاکی میباشد در خارج قرار دارد، رابطه روح به فضا می باشد و ماده به اجسام و کرات در فضا و مبدا^۱ روحی به مبدا^۱ خلاء ارتباط دارد. چنانچه فضا وجود نداشته باشد هیچ ماده ای نمیتواند وجود داشته باشد حتی به اندازه یک اتم که احتیاج به فضا دارد که وجود داشته باشد که فضای خلاء همان روح است که اجازه حرکت و زمان به دنیای خاکی را میدهد.

انسان، مبدا^۱ روحی که درونی میباشد را به فراموشی سپرده و مبدا^۱ ماده را که همیشه به دلیل مرکزیت در خارج قرار دارد، را در مسیر زندگی خود قرار داده است. سیر حرکت، از خارج به داخل نیست، بلکه از درون به خارج میباشد و این در حالتی میباشد که تعادل و آزادی در همه چیز وجود دارد و بر این اساس برای رسیدن به مبدا^۱ داخلی باید تصویری که در دید دارد، به دو قسمت تبدیل شود که دو تا هست در خارج رویت شود. و این عمل ایجاب میکند که همان نقطه خارجی در داخل بوجود آید (معجزه شق القمر)

این عمل حرکت دو چشم میباشد که بعنوان تمرین با کج کردن و انحراف دو چشم به سمت داخل و بطرف پیشانی آن نقطه درونی به رویت می پیوندند. در این حالت شخص، شکلی را رویت میکند که بصورت بدن ماهی میباشد. این عمل مانند هسته ای است که تا شکسته نشود، مغز و انرژی آن خارج شدنی نیست. باید همه چیز را در خارج به دو قسمت تقسیم کنید تا به روح تک قسمتی واحد دست پیدا کنید و این عمل ایجاد وحدت و یگانگی با حق تعالی را در 1 از درون به خارج بوجود می آورد تا خارج دو تصویری نشود، داخل از یکی بودن آگاهی ندارد و این ناآگاهی، موجب ایجاد نا عدالتی در انسان و جامعه میگردد. بهترین وسیله برای انجام این تمرین مبداء نوری ماه، خورشید و چراغ، میباشد.

چنانچه انگشت اشاره را بصورت عمودی، در جلوی صورت، بین دو چشم قرار دهیم و در این حالت به یک نقطه خارجی توجه کنیم، انگشت اشاره بصورت دو تصویر همسان و جدا به نظر میرسد. اگر در همین وضعیت به انگشت اشاره توجه کنیم، این بار، آن نقطه خارجی که مبداء بوده به صورت دو قسمتی به نظر خواهد رسید. هنگامی که این تمرین به وسیله مبداء نوری انجام میشود، با کج کردن گردن به راست و چپ، چنین بنظر میرسد که مبداء نوری به بالا و پایین حرکت میکند.

بوسیله این روش برای هر مشکلی جوابی خواهد بود، که از درون نقطه مرکزی روحی بصورت الهام دریافت مینمایید و به این وسیله آزادی از طریق روح به حقیقت می پیوندند و متناظر این نقطه در خارج که بدون حرکت و بدون زمان می باشد در آسمان همان ستاره شمالی میباشد که قبله عالم برای مومنین میباشد.

این علم از دوره سومرین ها شروع شده و به مذهب یهود رسیده و بعد از آن به مذهب مسیحیت (که همان ماهی میباشد) و بعد از آن تحت عنوان معجزه شق القمر به اسلام رسیده است. دستی بنام دست حضرت فاطمه (ع) بصورت پنج انگشت که سه انگشت در وسط و دو شست در کنار آن وجود دارد و این دست از طریق رویت، زمانی که قنوت انجام میشود باید رویت شود (بوسیله کج کردن و انحراف دو چشم به داخل تصویر سوم که همان دست میباشد، رویت میشود)

و در یک عبارت، عشق به خود ورزیدن، عشق به حق تعالی میباشد و از آن طریق به خارج از خود بر تمام جهان هستی.

با اخلاص

محمود فرزند عبد الحسین رضائی کمال آباد